AKO

گروه مشاوره و برنامه ریزی

WWW.AKOEDU.IR

اولین و باکیفیت ترین

آکادمی کنکور در ایران

کلاس های vip کنکور

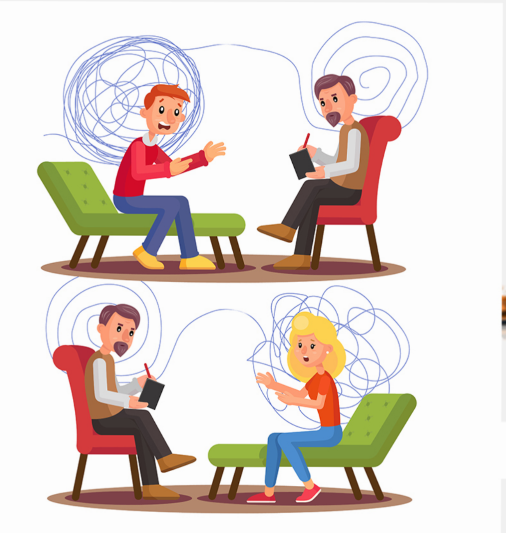

جهت دریافت برنامه ی شخصی سازی شده یک هفته ای
رایگان کلیک کنید و یا به شماره ی ۰۹۰۲۵۶۴۶۲۳۴ عدد ۱
را ارسال کنید.

تلفن تماس: ۰۲۶۳۳۴۰۸۹۴۴

نمونه سوال عربی یازدهم درس هفتم سخت

۱. عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للتّعریب :

«مسلمانان در جستجوی علوم، به دورترین نقطة کرة زمین سفر می‌کردند!» :

۱) کان المسلمون یرحلون إلی أقصی الأرض باحثین عن العلوم!
۲) کانوا المسلمین یرحلون إلی أقصی الأرض یبحثون عن العلوم!
۳) المسلمون کان یسافرون إلی أقصی کرة الأرض و هم یبحثون عن العلم!
۴) إنّ المسلمین کانوا یسافرون إلی أبعد نقاط الأرض و هم باحثین عن العلوم!

۲. عیّن غیر المناسب للمفهوم:

۱) لن یهلک امرؤ عرف قدر نفسه!: جایی بنشین که برنخیزانندت!
۲) کأنّ إرضاء النّاس غایه لا تُدرک!: زندگی به مراد مردم نتوان کرد!
۳) المرء علی دین خلیله و قرینه!: تو اول بگو با کیان زیستی پس آنگه بگویم که تو کیستی!
۴) عاتب أخاک بالإحسان إلیه!: عتاب دوست خوش باشد و لیکن مر آن را نیز پایانی بباید!

۳. عیّن الخطأ فی المحلّ الإعرابیّ:

۱) المفرداتُ الفارسیَّة دَخَلتِ اللغَةَ العربیَّة منذُ العصرِ الجاهلیِّ: مفعول
۲) للفیروز آبادیِّ مُعْجَمٌ مشهورٌ بِاسْمِ الْقاموس: خبر
۳) نَطَقَها العربُ وفقاً لِألسنتِهِم: فاعل
۴) و اشتقّوا منها کلماتٍ أُخرَی: صفت

۴. عیّن الخبر لیس اسمَ التّفضیل:

۱) أحبُّ عبادِ الله الی الله أنفعُهم لعباده!
۲) تفکُّرُ ساعة خیرٌ من عبادة سبعینَ سنة!
۳) فی متجرِ زمیلی سَراویلُ أفضلُ و لها أسعارٌ أرخصُ!
۴) مَن غَلَبت شهوتُه عقلَه فهو شرٌّ من البهائمِ!

۵. عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للتّعریب:

«در گذشته ادبای ما افتخار می کردند که از زبان قرآن برای نوشتن آثار خود استفاده می‌کنند!»

۱) فی القدیم أُدباؤنا کان یفتخرون بأنّهم من اللّغة القرآنیة یستفیدون لکتابة آثارهم!
۲) کان اُدباؤنا فی الماضی یفتخرون بأنّهم یستفیدون من لغة القرآن لکتابة آثارهم!
۳) أدیباتنا کانت یفتخرن بالاستفادة من اللّغة القرآن لکتابة آثارهنّ فی الماضی!
۴) أهل أدبنا کان یفتخر بأنّهم سیستفیدون من لغة قرآن لکتابة آثارهم فی القدیم!

۶. عَیِّن العبارة الّتی یختلف فیها معنی الأفعال النّاقصة:

۱) «... أَنْزَلَ مِنَ السَّماء ماءً فَتُصبِحُ الْأَرضُ مُخْضَرَّةً»
۲) أنتَ تصیرُ قدوةً لزمیلاتکَ فی الأخلاقِ والدَّرس.
۳) أصبحنا متوکّلین علی الله و معتمدین علی قدرتنا.
۴) الأمّهات کنّ منتظراتٍ لیصل أولادهنّ إلی البیت.

۷. عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للترجمة من أو إلی العربیة

«لمّا رأی الطبیبُ أنّی مصاب بالزّکام الشدید و أیضاً عندی حُمّی شدیدة، کتب لی وصفة تحتوی علی مقدار من الشراب و حبوب مسکّنة!»:

۱) وقتی پزشک مرا دید که به زکام و تب شدید گرفتار شده‌ام، نسخه‌ای را که برایم نوشت محتوی مقداری شربت و قرص‌های مسکّن بود!
۲) پزشک وقتی دید من دچار زکام شدید هستم و نیز تب شدیدی دارم، نسخه‌ای برایم نوشت که محتوی مقداری شربت و قرص‌هایی مسکّن بود!
۳) طبیب چون دید مبتلی به سرماخوردگی سخت و تب شدید هستم، برایم نسخه‌ای نوشت که در آن شربتی بود و تعدادی قرص مسکّن!
۴) چون طبیب دچار شدن مرا به سرماخوردگی شدید و نیز تب بالا دید، نسخه را برایم نوشت که آن شاملِ مقداری از شربت بود و قرص‌هایی مسکّن!

۸. عیّن الخطأ فی ضبط حرکات الحروف:

۱) أَتْقَی النّاس مَن قالَ الحَقّ فی ما له و ما عَلَیه!
۲) العِنَب البَرازیلیُّ شَجرة تَختَلف عَن باقی أشجار العالَم!
۳) الدّلافین تُساعِدُ الإنسان عَلی اِکتِشافِ أماکِنِ تَجمُّع الأسماک!
۴) لَکَثیر من الشُّعراء الإیرانیّین مُلمِّعات، منهُم حافظُ الشّیرازیّ!

۹. عَیِّن الصَّحیح فی تَعریب العبارة:

«پزشک، مادرم را به خاطر بیماری قند از خوردن مواد قندی منع کرده است.»

۱) قد مَنَعَ الطَّبیب أُمّی عَن تناول الموادِّ السُّکریَّة بِسببِ مَرَضِ السُّکَّر
۲) قد مَنَعَ الطَّبیبُ الموادَّ السُّکَّریّة بسبب ابتلاءها بمَرضِ السُّکَّر.
۳) «قد مُنِعت أُمی عَن أکلِ المواد السُّکّریة لانّها مُصابة بِمَرضِ السُّکَّر.
۴) یَمنَع الطبیبُ والدتی من تناول الموادِّ السُّکّریّة بسبب مرضِ السُّکَّر.

۱۰. عیّن الصحیح فی المترادف أو المتضادّ:

۱) یُبیِّنُ علماءُ اللغة العربیّة قواعدَ هذه اللغة بشکلٍ کامل. (≠ یُظهِرُ)
۲) أَمشی فی الحدائقِ و أَفرَحُ بذلک کثیراً. (≠ أَحزَنُ)
۳) کانَ أصدقائی واقفینَ عندَ شجرةٍ کبیرةٍ. (≠ قائمینَ)
۴) الطّالبات یُرسِلْنَ کتباً لصدیقاتهنَّ. (= یَسْتلِمْنَ)

۱۱. عیّن الخطأ فی ضبط حرکات الکلمات:

۱) فی الحصّة الأُولَی کانَ الطُّلاب یَسْتَمِعُونَ إلی کلامِ مُدَرِّسِ الکیمیاء.
۲) إذاتَمَّ العَقْلُ نَقَصَ الکلامُ.
۳) الشجرةُ الخانقةُ شجرةٌ تَنْمُو فی بعضِ الغاباتِ الإستوائیّة.
۴) التلمیذةُ تَجِدُ برنامجاً یُساعِدُها علَی تَعَلُّمِ العربیّة.

۱۲. عیّن الخطأ فی ترجمة العبارات التالیة:

۱) لَن یَنالوا البرّ حتّی یُنفِقوا ممّا یُحبّون: به نیکی نخواهند رسید تا از آنچه که دوست دارند انفاق کنند.
۲) المُستشرِق یأتی إلی الشرق لیبحَثَ عن أمرٍ مهمّ: شرق‌شناس به شرق می‌آید تا در مورد موضوع مهمی تحقیق کند.
۳) تَتحسَّنُ حال المَرضی بعد أُسبوعٍ بلطف الله: با لطف خدا حال بیمار بعد از یک هفته خوب می‌شود.
۴) کانَتْ قد تُرجِمتَ الکتب الفارسیّة إلی اللغة العربیّة: کتاب‌های فارسی به زبان عربی ترجمه شده بود.

۱۳. عیّن الصحیح فی ترجمة العبارات التالیة:

۱) أ کُنتم تأمرونَ أهْلَکُم بالصّلاة والزّکاة: آیا خانوادهٔ خود را به نماز و زکات فرمان می‌دادید؟
۲) لقد کانَ فی یوسف و إخوته آیاتٌ للسّائلین: مسلماً در مورد یوسف و برادرش نشانه‌هایی برای سوال‌کنندگان است.
۳) أوفِ بالعهدِ إنّ العهدَ کانَ مسؤولاً: به پیمان وفا کنید، مسلماً عهد و پیمان مسؤولیت دارد.
۴) تَقولونَ بألسنتکم ما لَیسَ فی قلوبِکُم: با زبان‌هایتان آنچه را که در دلتان نیست می‌گویید.

۱۴. عیّن الأدقّ فی ترجمة العبارة التالیة:

کانت المُزارعاتُ یَستخدِمنَ شجرة النّفط کسیاجٍ مُحکمٍ حولَ مَزارعٍ یَحفَظُ محاصیلهنَّ.

۱) کشاورزان درخت نفت را به عنوان پرچینی محکم پیرامون مزرعه‌شان که محصولاتشان را حفظ می‌کند، به کار می‌گیرند.
۲) زنان کشاورز درخت نفت را همانند پرچین محکم پیرامون کشتزارهایی که محصولات آنها را نگه می‌دارد، به کار می‌گیرند.
۳) کشاورزان درخت نفت را به عنوان پرچینی محکم به دور مزرعه‌هایی که محصولاتشان را حفظ می‌کرد، به کار می‌گرفتند.
۴) زنان کشاورزان درختان نفت را همانند پرچین محکمی به دور مزرعه‌هایشان که محصولشان را نگه می‌داشت، به کار می‌گیرند.

۱۵. عیّن الصحیح فی التحلیل الصرفی اَو المحلّ الاعرابیّ:

«اَصْبَحَ»

۱) فعل ماضی – للغائب – مزید ثلاثی (مصدره علی وزن افعال) – فاعله هو
۲) فعل ماضی – للغائب – مزید ثلاثی و له حرفٌ زائد
۳) فعل ماضی – مزید ثلاثی – من افعال ناقصه و فاعله هو
۴) فعل – حروف الاصلیه (ص ب ح) – مجرّد ثلاثی

۱۶. عَیِّن الصَّحیح فی الإعراب و التّحلیل الصّرفی:

«وَ اذْکُروا نِعْمَةَ اللهِ عَلَیکُم إذ کُنتم أعداءً فَأَلَّفَ بَینَ قلوبکم فَأَصْبَحتم بنعمَته إخواناً.»

۱) اذکروا: فعل امر، جمع مذکر مخاطب، متعدٍّ، مبنی/ فعل و فاعله ضمیر بارز واو
۲) أعداءً: اسم، جمع التکسیر، مفرده عَداوة، معرب، معرفه / خبر فعل ناقص کنتم
۳) أَلَّفَ: فعل ماضٍ، مفرد مذکر غائب، مزید ثلاثی، باب تفعل، مبنی، معلوم، متعد / فعل و فاعله ضمیر مستتر هُوَ
۴) أَصْبَحتم: فعل ماضٍ، جمع مذکر مخاطب، مبنی، معلوم/ فعل و فاعله ضمیر تم

اقرأ النّص التّالی ثمّ أجب عن الأسئلة بما یناسب النصّ:

تَعتمد الملیاراتُ من النّاس فی جمیع أنحاء العالم، خاصّةً فی أفقر دول العالم، علی المُحیطات و البحار فإنّها مؤثّرة بشکل أساسیّ فی إیجاد فُرَص العمل و کذلک الحصول عَلی الغذاء و الاحتیاجات الیومیّة. إنّ البلاد المُجاورة لهذه النّعمة الکُبری تَستَفید منها بأشکالٍ مُختلفة فی مَجال تَنمیة اقتصادها و نموِّها؛ فإنّها إضافةً إلی أنّها مَصادرُ من النِّعم الغذائیّة و غَیرها فهی فرصةٌ ذَهبیّة لجذب السُّوّاح و المُسافرین من جمیع بلاد العالم للتفرُّج و التلذّذ. و الأمرُ الجدیر بالذّکر هو أنّ النَّقل البحری أصبحَ الآنَ أحدَ طُرق الاتّصال الأساسیّة بین البلاد، فلذلک یُعَدُّ من عَوامل تَنشیط الاقتصاد. و أخیرًا ما تَجب مُراعاتُها هی أنّ البحار لَیست مکانًا للنّفایات فإنّ عَدمَ رعایةِ هذا الأمرِ یُسبِّبُ هلاکة الإنسان بیده!

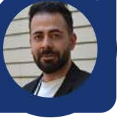

۱۷. «أصبح»:

۱) فعل ماضٍ – للغائب – من الأفعال الناقصة بمعنی «صار» – حرفه الزائد: الهمزة
۲) فعل ماضٍ – من الأفعال الناقصة بمعنی «کان» وزنه «أفعل» و مصدره «إفعال»
۳) ماضٍ – للمفرد المذکّر الغائب – له حروف ثلاثة أصلیة و حرف واحد زائد، مصدره «إصباح»
۴) ماضٍ – للمفرد المذکّر الغائب – علی وزن «أفعل» و وزن مصدره: إفعال – له حرف واحد زائد

۱۸. «جوان دروغگو هنگامی که برای بار سوّم دروغ گفت، نزدیک بود غرق شود»:

۱) الشابّ الّذی کذب کاد یغرق لمّا کذب ثلاث مرّات.
۲) کاد الشابّ الّذی یَکذب یَغرق لمّا کذب للمرّة الثالثة.
۳) کاد الشابُّ الکذّاب یَغرق عندما کَذب للمرّة الثالثة.
۴) الشابّ الکذّاب کاد قد غرق عندما کذب ثلاث مرّات.

۱۹. عیّن الخطأ:

۱) أحسنْ کما أَحْسَنَ اللهُ الیک: نیکی کن همانطور که خداوند به تو نیکی کرده است.
۲) کُلُّ حزب بما لَدَیْهِم فَرِحُون: هر گروهی بدانچه دارند، شادمانند.
۳) کُنّا نَتضارَبُ فَتَدَخَّلَ المدیرُ و نَصَحَنا: با یکدیگر زد و خورد کردیم، پس مدیر وارد شد و ما را نصیحت کرد.
۴) حَذَّرَنا الشرطیُّ عندالعبور من الشارع: هنگام عبور از خیابان، پلیس به ما هشدار داد.

۲۰. عیّن ما لَیسَ فیه إلّا فعلٌ واحدٌ من الأفعال الناقصة:

۱) کانت الطالبةُ تَلْعَبُ بالکُرة فی غُرفتها فَصارتْ نشیطةً.
۲) هؤلاءِ الأُمّهات صَیَّرن الأُمورَ سَهْلَةً لأنفسهنَّ و کُنَّ متوکِّلات علی الله.
۳) لَیستِ الطالباتُ مُتکاسلاتٍ فی أمورهنَّ فأصبحْنَ فائزاتٍ بعدَ ذلکَ.
۴) أصبحَ الأَولادُ مُجتهدینَ فی البلاد فیکونُ والدیهم مَسرورینَ مِن محاولتهم.

۲۱. عیّن للفراغ الکلمة الّتی تُناسب الکلمات الأُخری فی النوع:
«کُنْتُنَّ – یُصْبِحْنَ – تَصیرونَ ....»

۱) تَسیرینَ
۲) أَکُوْنُ
۳) لَسْنا
۴) صَیَّرْنَ

۲۲. عیّن الخطأَ فی الترجمة:

۱) کانت مریم تقرأُ رسائلَ وَصَلْتها و هِیَ راکبةٌ فی القطار: مریم نامه‌هایی را که رسیده بود می‌خواند در حالی که در قطار سوار بود.
۲) لِحُسین صدیقٌ کانَ قد تعلّم معه دروسَ الریاضیّات: حسین دوستی دارد که همراه او درس‌های ریاضی را یاد گرفته بود.
۳) کانت أُمّ زمیلی تقول لَه قولاً مشهوراً یُشجِّعه علی الصلاة: مادر هم‌شاگردی‌ام به او سخن معروفی را می‌گفت که او را برای نماز خواندن تشویق می‌کرد.
۴) کانت المفردات الفارسیّة کثیرةً قد نُقلت إلی اللغة العربیّة بسبب التجارة: واژگان فارسی بسیار است که به زبان عربی به علت بازرگانی منتقل می‌گردد.

۲۳. عیّن الأَصحّ فی الترجمة للعبارة التالیة:
أَیّها المنافقونَ، أتقولونَ بأَفواهکم ما لیس فی قلوبکم و کانَ اللهُ أَعلَمُ بما تکتمونَ.

۱) ای منافقان، ... آیا با زبانتان چیزی را می‌گویید که در دل‌تان نیست، و خدا به آنچه که پنهان می‌کنید آگاه است.
۲) آیا با دهان‌هایتان چیزی را می‌گویید که در دل‌هایتان نیست، و خداوند داناتر است به آنچه که پنهان می‌داشتید.
۳) آیا با دهان‌هایتان آنچه را که در دل‌ها نیست می‌گفتید و خداوند به آنچه که پنهان می‌کردید داناتر بود.
۴) آیا با زبان‌ها آنچه را که در قلب‌هایتان نیست می‌گفتید، حال آنکه خدا به آنچه که پنهان می‌کنید آگاه است.

۲۴. مَیِّز الخطأَ فی شرح الکلمات التالیة:

۱) الصیدلیّة: الدکتور الّذی یَعرف الأدویة و مُتخصِّص فیها.
۲) الفُستق: فاکهة لذیذةٌ و مقوّیة تُزرعُ فی دامغان و کرمان و ....
۳) التلوّث: هواءٌ غیرُ سالم تُؤَثّر فیه السُّیارات و المعاملُ.
۴) الدیباج: قماش لطیفٌ و غالٍ یستفیدُ منه الأغنیاء غالباً.

۲۵. عیّن الصحیح فی ترجمة العبارات التالیة:

۱) ظواهِر الطبیعیّة هی الّتی تُظهِرُ لکم آیاتِ الله: پدیده‌های طبیعت همان چیزی است که نشانه‌های خدا را برای شما آشکار می‌کند.
۲) الفلاّحُ یُعلّم أولادَهُ کیف یَغرسونَ الأَشجار: کشاورز به فرزندان آموزش می‌دهد که چگونه درخت بکارند.
۳) الأرضُ یرثُها عبادی الصالحونَ عاقبةً: در آینده زمین را بندگان شایسته به ارث می‌برند.
۴) کانت رائحة بعض الأَشجارِ کریهةً و تُؤذینا: بوی برخی از درختان زشت بود و ما را آزار می‌داد.

۲۶. عيّن الخطأ عَنِ الأَفعال الناقصة:

۱) كانَتِ المعلِّمتان فی فريقنا مُشفقتَين على جميع الطالبات.
۲) هذا الكتابُ ليسَ غالياً و كانَ جديداً للقارئينَ.
۳) الأشجارُ الخضراءُ صارتْ مُخضرّةً فی هذا الفصل.
۴) يا رجالُ أُتصبحونَ شاكرينَ عَن نِعَم اللهِ الكثيرة.

۲۷. عيّن الخطأ فی ترجمة العبارات التالية:

۱) عُلماءُ أَنتَفِعُ بعلومهم خيرٌ مِن أَلفينِ عابدٍ: دانشمندانی که از دانش‌هایشان سود می برم از دو هزار عبادت‌کننده بهترند.
۲) يُعجِبُنا كثيراً حارسُ مرمَى فَريق الصّداقة: دروازه‌بان تیم صداقت ما را بسیار به شگفتی درمی‌آورد.
۳) أتسألونَ فضلَ الله؟ إنّه كان بكلّ شيء عليماً: آیا از لطف خدا می‌خواهید؟ همانا او بر همه چیز آگاه بود.
۴) الأُمَّهات يُوفينَ بالعَهد، إنّ العَهْد يكونُ مسؤولاً: مادران به پیمان وفا می‌کنند مسلماً پیمان (کننده) متعهد می‌باشد.

۲۸. عيّن ما فيه التضادّ:

۱) كُنتُ صادقةً عندَ والديَّ و صارا فَرِحينِ من نجاحی فی أموری الدراسيّة.
۲) الصبرُ مِنَ الأخلاق الحسنة و العَجَلة مِن أَعمال الشيطانِ.
۳) الَّذين يُبعدونَ عَنِ العيونِ يُبعدونَ عَن القلوب.
۴) أَمَرَنا اللهُ بِمُداراة الناسِ كما أَمرَنا بأداءِ الفرائض.

۲۹. عيّن الخطأ حولَ المُترادفات:

۱) خيرُ إخوانِكَ مَن نَدَبكَ إلی أَفضل الأعمال بحُسنِ أعماله. (أَحْسَنُ)
۲) لَنْ نَستطيعَ الحضورَ فی الإمتحانِ فی الوَقْت المُحدَّد. (المُجدّد)
۳) تجری الرِّياح بما لا تَشْتَهِی السُّفن. (لا تُحبُّ)
۴) يا ايّها الَّذين آمنوا لا تَكْتُموا الحقَّ بالباطلِ. (لا تَشْتروا)

۳۰. عيّن الجملة بعد النكرة تدُلّ على الإستمرار:

۱) تُسافرُ الطالباتُ إلی مكانٍ يُغيِّر حالَهنَّ.
۲) لا تَسْأَلوا من شخصٍ لا تَعْرفونَهُ كاملاً هذه الأيّام.
۳) الضيوفُ يَجلسونَ فی حديقةٍ تَجری مِن تحتها الأنهارُ.
۴) وَجَدْنا فی الكامبيوتر برنامجاً يُساعدُنا فی تَعَلُّم اللغة العربيّة.

۳۱. عيّن الصحيح فی ترجمة العبارة التالية:

۱) لماذا تَقولينَ بلسانِكِ ما ليسَ فی قلبِكِ؟: چرا با زبانتان می گویید آنچه را که در دلتان نیست؟
۲) لِنَذْكُرْ نِعَمَ اللهِ علينا إذ كُنّا أَعداءً: نعمت‌های خدا را باید بر خود به یاد آوریم آنگاه که دشمن بودیم.
۳) أَلَمْ تَعْلَموا أنّ فی يوسف و إخوته آياتٌ لَنا؟: آیا ندانسته‌ای که در (داستان) یوسف و برادران نشانه‌هایی برای ماست؟
۴) يُريدُ الله لِيُؤَلِّفَ بين قلوبهنَّ حتّی يُصبحنَ أخوات: خداوند می‌خواهد که میان دل‌ها همدلی ایجاد کند تا برادر شوند.

۳۲. عيّن الأَصحّ فی ترجمة العبارة التالية:

كانَ علماءُ اللغةِ العربيّة و الفارسيّة يُبيِّنون أبعادَ هذا التأثير فی دراساتهم؛ و عِندَنا كثيرٌ مِن الكتب الّتی تضمُّ الكلمات الفارسيّة المعرّبة.

۱) دانشمندان زبان‌های عربی و فارسی ابعاد این تأثیر را در مطالعات خود روشن کرده‌اند و بسیاری از کتاب‌هایی که شامل کلمات فارسی عربی شده، نزد ما هست.
۲) دانشمندان زبان عربی و فارسی ابعاد این تأثیر بزرگ را در درسها و پژوهش‌ها روشن می‌کردند و بسیاری از کتاب‌ها وجود دارد که شامل کلمات فارسی عربی‌شده می‌گردد.
۳) دانشمندان زبان عربی و فارسی بُعدهای این تأثیر را در مطالعاتشان روشن می‌کردند و کتاب‌های بسیاری داریم که شامل کلمات فارسی عربی‌شده می‌باشد.
۴) دانشمندان زبان عربی و فارسی بُعدهای این تأثیر را در مطالعات خود توضیح داده بودند و نزد ما بسیاری از کتاب‌هایی است که شامل کلمات فارسی عربی‌شده است.

۳۳. عيّن الصحيح فی ترجمة العبارة التالية:

يومَ تَنْظُرْنَ ما قَدَّمتنَّ أيديكنَّ و تَقولُ الكافراتُ يا لَيتنا كنّا تراباً.

۱) روزی که انسان نگاه می‌کند که با دستش چه فرستاده است و کافر می‌گوید ای کاش که من خاک باشم.
۲) روزی که نگاه می‌کنید به آنچه که با دستان خود پیش می‌فرستید و کافران گفتند ای کاش که ما خاک بودیم.
۳) روزی که می‌نگرید به آنچه که با دستانتان پیش فرستادید و کافران گویند: ای کاش که ما خاک بودیم.
۴) در روزی که آنچه را که با دست خویش فرستادید، می‌نگرید و کافران گویند کاش ما خاک باشیم.

۳۴. عيّن الخطأ فی الحِوارات:

۱) الزّائر: كيفَ تَذْهبونَ إلی المَسجد النبیّ (ص)؟ السائقُ: نَذْهَبُ بالحافلة.
۲) المشتری: بِكَم تومانٍ هذه الفَسْاتين؟ بائع الملابس: تبدأ الأسعارُ مِن ثمانية و تسعين أَلف تومان.
۳) إبراهيم: بَينَ مَن هذه المباراة؟ إسماعيل: كلا الفريقين قويّان جدًّا.
۴) المريض: من أينَ نَسْتَلِمُ الأَدوية؟ الطبيبُ: إسْتَلِموا الأدوية مِنَ الصيدليّة فی نهاية ممرّ المُستوصف.

۳۵. عیّن جواباً لَیسَ مناسباً علی حسب الحوار؟

۱) المعلّم: لِمَ ما کَتَبْتَ الدرسَ فی البیت؟ الطالبُ: لأنّی کُنْتُ فی المستوصف.
۲) الطبیبُ: ما بکَ؟ المریض: أنا مصابٌ بالزکام و عندی حمّی شدیدةٌ.
۳) الحاجّ: لماذا لا تُعطینی هذه الأدویة؟ الصیدلیّ: لأنّ بَیعها بدون وصفة غیرُ مسموح.
۴) الزّائر: کم سعرُ هذا القمیص الرجالی؟ بائع المَلابس: عندنا الأبیضُ و الأسود و الأزرقُ.

۳۶. عیّن الصحیح فی تعریب العبارة التالیة:
با خود و دیگران صادق باشید و از واقعیت هرگز فرار نکنید.

۱) کانوا صادقینَ مع أنفسهم و الآخرین و لَن تَهرَبوا من الواقع.
۲) کُونوا صادقینَ مَعَ أنفسکم و مع الآخرینَ و لا تَهرَبوا من الواقعِ أبداً.
۳) کُن صادقاً مع نفسکَ و الآخرینَ و لَن تهربَ من الواقع أبداً.
۴) کُونوا صادقونَ أنفسکم و الآخرونَ و لا تَهربوا من الواقعیّة.

۳۷. عیّن الخطأَ فی ضبط حرکات الکلمات:

۱) تَزدادُ المُفرداتُ العَربیَّة فی اللّغة الفارسیّة بعدَ ظُهور الإسلامِ.
۲) الشَّعبُ الباکستانیُّ یَتَکلَّمُ باللّغة الأُردیَّة.
۳) قَبل وفاتِها أوصَتْ شیملُ زملاءَها أنْ یُشَکِّلوا فریقاً للحوار الدینیِّ.
۴) الکلماتُ الفارسیَّة الّتی دَخَلَت اللغة العربیّة فَقَدْ تُغَیِّرَتْ أصواتها.

۳۸. عیّن الصحیح فی تعریب العبارة التالیة:
در زبان عربی صدها کلمهٔ عربی‌شدهٔ دارای ریشهٔ فارسی وجود دارد.

۱) فی اللغة العربیّة مِئات کلمة معرّبة ذاتُ الأُصول الفارسیَّة.
۲) هُناکَ مِئاتُ الکلمة المعرّبة فی اللغة العربیّة ذاتُ أصلٍ فارسیٍّ.
۳) مِئاتُ الکلمةِ المعرّبة تُوجَدُ فی لُغة عربیّة ذاتُ الأصل الفارسیّ.
۴) هناکَ مِئاتُ کلمةٍ معرَّبة فی اللغة العربیة ذاتُ الأُصول الفارسیِّة.

۳۹. عیّن الصحیح فی نوعیّة الکلمات و محلّها الإعرابیّ فی العبارة التالیة:
ما کانت الطالبتانِ مُستَعِدَّتَیْن فَتوافقُ الأُستاذةُ تُؤَجِّلَ لَهما الإمتحانَ.

۱) الطالبتان: اسم، مثنی، معرفة، اسم الفاعل / اسم فعل ناقص و مرفوع
۲) مُستعِدَّتین: اسم، مثنی، معرفة، اسم الفاعل المزید / خبر کانَ و منصوب
۳) تُوافقُ: فعل مضارع، للمخاطب، مزید ثلاثی مصدره مُوافقة / فعل و فاعله الاستاذة
۴) تُؤَجِّلَ: فعل مضارع منصوب، من باب تفعُّل، للغائبة / فعل و فاعل

۴۰. عَیّن الخطأَ فی ضبط حرکات الکلمات:

۱) الإمتحاناتُ تُساعِدُ الطّلاب لِتَعلُّم دُروسِهِم.
۲) لا تَظلِمْ کَما لا تُحِبُّ أنْ تُظلَمَ و أحْسِنْ إلی النّاس.
۳) هِیَ تَتَکلَّمُ مَعَ بَعْضِ زمیلاتِها لِیَجْمَعْنَ نُقودَهنَّ لِشراءِ الکُتُبِ
۴) القرآنُ یَأمُر المؤمنَ ألّا یَسُبَّ مَعبودَ المُشرِک.

۴۱. عیّن الخطأَ فی ضبط حرکات الکلمات:

۱) المِسْکُ عِطرٌ یُتَّخذُ مِن نوعٍ مِن الغزلانِ.
۲) أَنْزَلَ اللهُ مِنَ السماءِ ماءً فَتُصْبِحُ الأرضَ مُخضرَّةً.
۳) أَیُّ شیءٍ یَجْعَلُ اللّغة غَنیَّة فی الأُسلوب و البیان؟
۴) إزدادَتِ المفرداتُ العربیَّة فی اللّغة الفارسیّة بِسببِ العامِلِ الدینیِّ.

۴۲. عیّن ما فیه أسماء الجمع أکثر تنوُّعاً:

۱) لَنسَیت طالباتُ هذه المَدارس فی مَیادینَ البِلاد.
۲) یَخرُجُ العَمَلةُ الصابرونَ من قُراهم یَطلبونَ مَزارِعَ کبیرات للعمل فیها.
۳) تُساعِدُ الأُمهّات الصادقاتُ فُقراءَ المُدن أیّام السَّنة.
۴) أولئکَ المؤمنونَ یَبْنونَ بیوتاً کثیرةً لإمکانِ مساکینِ بلادهم.

۴۳. عیّن الصحیح حسب التوضیحات التالیة:

۱) المِنْشَفَة: قطعة قُماش تُوضَعُ علی السّریر.
۲) الشهادةُ: هِیَ القیمُ المشترکةُ بینَ جماعة من الناس.
۳) المِهرَجان: من مظاهر التقدّم فی میادین العِلم و الصناعة و الأدب.
۴) الصُّداعُ: ألَمٌ شدیدٌ فی رأس الإنسان.

۴۴. عیّن الخطأَ فی ضَبط الحرکات الکلمات:

۱) مَنْ یَکْتُبِ الواجبات یَنْجَحْ فی الإمتحانات.
۲) ما کانَ عندهُ ضَغْطُ الدَّم.
۳) صار مُسلمو البلادِ بَعیدینَ عَنِ الرَّذائل الأخلاقیَّة.
۴) هِیَ تُشاهِدُ الأسماکَ الّتی تَتَساقطُ مِنَ السّماء.

۴۵. عیّن الصحیح فی قِراءَة الکلمات:

۱) یُنْزَلُ مِنَ السّماء ماءً فَتُصبِحُ الأرضُ مُخْضَرَّةً.
۲) تُصْبِحُ الطالبتان المُجدّتان فی المدرسة مُمتازتین بَیْنَ الطالبات.
۳) لَیَسْتْ فلاّحات القریة فی مَزارِعِهنَّ الکبیرة.
۴) أیُّها الرَّجل هَلْ کُنْتَ أحْسَنُ الرِّجال فی المدینة؟

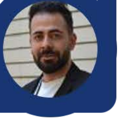

www.akoedu.ir

۴۶. عیّن الخطأَ فی ضبط حرکات الکلمات:

۱) کُنتم خیرَ أُمّة أُخرِجَتْ للناس.
۲) تلکَ الطالبة صارتْ ناجحةً فی الإمتحانِ.
۳) الطالباتُ یُنَظِّفْنَ غُرْفَتُهنَّ فأصْبَحتِ الغرفةُ نظیفةً.
۴) کانَتْ فی اللغةِ العربیّة مئاتٌ من الکلماتِ الدخیلة الفارسیِّة.

۴۷. عیّن الخطأَ فی ضَبْط حرکات الکلمات:

۱) کانَتِ الطالبةُ ناجحةً فی تُعَلّمُها.
۲) أَصْبَحَ الهدفُ الأعلی إتّحاد المُسلمینَ.
۳) صارتِ المُعلّماتُ المُشفقاتُ مُشتاقاتٍ لزیارتنا.
۴) لَسْتِ مُؤَثِّرَةً فی تَغْییرِ هذهِ الأُمور.

۴۸. عیّن الخبرَ یَختلفُ فی الإعراب:

۱) الموسوعة مُعجمٌ یَجمَعُ فیه کثیرٌ من العلوم.
۲) فی تلک المزرعة الوسیعة الفلّاحة مُجدةٌ فی أعمالها الکثیرة.
۳) لَیسَ الغَنیُّ فی هذه المدینة غافلاً عن أحوال فقراءها.
۴) أَنْتَ مسؤولٌ عَنِ البِقاعِ و البهائم أیضاً.

۴۹. عیّن ما لیس فیه من الاَفعال الناقصة:

۱) لِیَکُنْ أَحَبُّ الأعمالِ إلیکم العمل الصالح.
۲) أَتَصیرینَ معلّمة بعد دراستک فی الجامعة؟
۳) لَسْتنَّ مُتکاسلات فی أمورکنّ المّهمة یا طالباتی.
۴) العالَم یَتَکَوَّنُ مِنَ الموادِّ الکثیرة الّتی خَلَقها الله تعالی.

۵۰. عیّن فعلاً من الأفعال الناقصة یَدلّ علی التغییر و التحوّل:

۱) کانَ الطُّلاب جالسینَ علی کَراسیّهم فی الصفوف.
۲) صارتِ الفلّاحة نشیطاً فی أمورها الزّراعیّة.
۳) لَیْسَ المؤمنونَ فی هذه الدنیا مأیوسینَ من رحمة الله.
۴) هؤلاءِ الأُمّهات کُنَّ یُساعِدْنَ أولادَهنَّ فی دروسهنّ.

پاسخنامه تشریحی

۱ . گزینه ۱ بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ ۲: کانوا اول آمده است، باید به‌صورت مفرد می‌آمد (کانَ).

گزینهٔ ۳: کانَ بعد از المسلمون آمده است پس باید مطابقت کند و به‌صورت کانوا بیاید و نیز "علم" مفرد آمده که غلط است.

گزینهٔ ۴: نقاط جمع است و باید به‌صورت مفرد می‌آمد و "باحثین" خبر است و باید "باحثون" باشد.

۲ . گزینه ۴ زیرا ترجمهٔ عبارت چنین است:" سرزنش کن برادرت را با نیکی کردن به او "

۳ . گزینه ۲ توجه: هرگاه جار و مجرور اول جمله اسمیه بیاید و خبری را برساند خبر مقدم می‌شود و اسم بعد از آن مبتدای مؤخر می‌شود.

۴ . گزینه ۳ گزینهٔ ۱ : أحبّ مبتدا و أنفَعُ خبر است. (اسم تفضیل معمولاً بر وزن أفعل می‌آید)

گزینهٔ ۲ : تفکُّر مبتداست و خیرٌ خبر است. (اگر خیر معنی «تر و ترین» دهد، معمولاً اسم تفضیل محسوب می‌شود)

گزینهٔ ۳ : أفضل اسم تفضیل است، اما اینجا صفت است نه خبر. أرخص نیز اسم تفضیل و صفت می‌باشد.

گزینهٔ ۴ : شرّ اسم تفضیل و خبر است. شرّ نیز مانند خیر می‌تواند اسم تفضیل باشد، اگر معنی «تر و ترین» داشته باشد.

۵ . گزینه ۲ در گزینه ۱ کان – «القرآنیة» ، در گزینه‌ی ۳ کانَت – «اللغة» باید بدون ال بیاید چون مضاف است و باید جمع باشد.

در گزینه ۴ کانَ یَفتَخِرُ از موارد نادرست است.

۶ . گزینه ۴ صار – یصیر – أصبح – یصبح به معنای «شد – می‌شود» می‌باشند ولی کان به معنی «بود» می‌باشد.

۷ . گزینه ۲ لمّا رأی الطّبیبُ: پزشک وقتی دید (نادرستی گزینهٔ ۱) / أنّی مصابٌ بالزُّکامِ الشّدید: من دچار زکام شدید هستم (نادرستی گزینهٔ ۱) / و أیضاً عندی حُمًّی شدیدةٌ: و نیز تب شدیدی دارم (نکره) (نادرستی سایر گزینه‌ها) / کَتَبَ لی وصفةً: برایم نسخه‌ای نوشت (نادرستی گزینه‌های ۱ و ۴) / تَحْتَوِی (جمله وصفیه): که محتوی بود (نادرستی گزینهٔ ۳) / علی مقدارٍ من الشراب و حُبوب مُسکِّنةٍ: مقداری شربت و قرص‌هایی مسکّن (نادرستی گزینهٔ ۳)

۸ . گزینه ۴ لَکثیر ← لِکثیر / مُلمّعات ← مُلَمَّعات

۹ . گزینه ۱ بی‌شک منع کرده است: «قد مَنَعَ» (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / مادرم: «أُمّی» (رد گزینهٔ ۲) / خوردن:«تناوُل»: أکل (رد گزینهٔ ۲)

۱۰ . گزینه ۲ أفْرَحُ: شاد می‌شوم ≠ أحزنُ: ناراحت می‌شوم.

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: یُبَیِّنُ: روشن می‌کند = یُظْهِرُ: آشکارمی‌کند.

گزینهٔ «۳»: واقفینَ: ایستادگان = قائمینَ

گزینهٔ «۴»: یُرسِلْنَ: می‌فرستند ≠ یَسْتَلِمْنَ: دریافت می‌کنند.

۱۱ . گزینه ۱ در این گزینه یَسْتَمِعونَ: مضارع باب افتعال، جمع مذکر غایب؛ الکیمیاءِ: مضافٌ‌إلیه صحیح است.

۱۲ . گزینه ۳ المرضَی: جمع مکسر است به معنی بیماران.

۱۳ . گزینه ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: ...."برادرانش "و" بوده است" صحیح است.

گزینهٔ «۳»: .... "وفا کن" صحیح است.

گزینهٔ «۴»: دل‌هایتان (قلب‌هایتان)، صحیح است.

۱۴ . گزینه ۳ کانت .... یَستخدِمنَ : به کار می‌گرفتند. سیاجٍ مُحکمٍ : پرچینی محکم یا پرچین محکمی. مَزارِع : مزرعه‌هایی که. یَحفَظُ : حفظ می‌کرد. (کانت روی این فعل هم اثر می‌گذارد). محاصیلهنَّ : محصولاتشان

۱۵ . گزینه ۲ أصْبَحَ فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب افعال است و از افعال ناقصه به شمار می‌آید که فاعل و مفعول ندارد (اسم و خبر دارند).

۱۶ . گزینه ۱ تصحیح گزینه‌های نادرست:

گزینهٔ «۲»: مفرده «عدوّ»، نکره

گزینهٔ «۳»: باب تفعیل

گزینهٔ «۴»: فعل ناقص و اسم آن ضمیر بارز «تُم»

ترجمهٔ متن درک مطلب:

میلیون‌ها نفر از مردم در تمام اطراف دنیا به ویژه در کشورهای فقیرتر زندگی‌شان به دریاها و اقیانوس‌ها تکیه دارد. این دریاها و اقیانوس‌ها به شکل خیلی مهمی در ایجاد فرصت‌های شغلی و بدست آوردن غذا و احتیاجات روزانهٔ آنها مؤثر است. سرزمین‌های نزدیک این اقیانوس‌ها به خاطر این نعمت بزرگ از آن به اشکال مختلفی در زمینهٔ توسعه و رشد اقتصادشان استفاده می‌کنند. علاوه بر اینکه آن‌ها منابع مهم نعمت‌های غذایی و غیره هستند یک فرصت طلایی برای جذب جهانگرد و مسافر برای لذت بردن و گشت از تمام سرزمین‌های دنیا هستند. موضوعی که شایان ذکر است این که حمل و نقل دریایی امروزه یکی از راه‌های اتصال اساسی بین کشورها شده است. برای همین یکی از عوامل رشد اقتصاد شمرده می‌شود و در انتها آن چیزی که مراعات کردن آن واجب است، اینکه دریاها مکانی برای زباله‌ها نیستند و عدم رعایت این موضوع باعث هلاکت انسان به دست خودش می‌باشد.

۱۷ . گزینه ۲ أصبح به معنی کان نیست (أصبح: شد / کان : بود)

۱۸ . گزینه ۳ «جوان دروغگو»: الشّابّ الکذّاب (رد گزینه‌های ۱ و ۲)/ «هنگامی که»: لمّا، عندما/ «برای بار سوم»: (عدد ترتیبی) للمرّة الثالثة (رد گزینه‌های ۱ و ۴)/ «دروغ گفت»: کذب/ «نزدیک بود غرق شود»: کادَ ... یَغرق (رد گزینهٔ ۴)

نکتهٔ مهم: «کادَ + فعل مضارع» به‌صورت «نزدیک بود ...» ترجمه می‌شود.

۱۹ . گزینه ۳ «کُنّا + مضارع» معنی ماضی استمراری می‌دهد که باید به‌صورت «با یکدیگر زد و خورد می‌کردیم» ترجمه شود.

تَدَخَّلَ یعنی دخالت کرد که به اشتباه «وارد شد» نوشته شده است.

ترجمهٔ صحیح گزینه: با یکدیگر زدوخورد می‌کردیم، پس مدیر دخالت کرد و ما را نصیحت کرد.

۲۰ . گزینه ۲ سؤال شده است که در کدام گزینه فقط یک فعل از افعال ناقصه آمده است؟ در گزینهٔ «۲»، کُنَّ از کانَ فعل ناقص می‌باشد؛ صیّرنَ که در باب تفعیل است، فعل ناقص محسوب نمی‌شود و فعل تامّ یا کامل است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: کانت – صارت از افعال ناقصه هستند.

گزینهٔ «۳»: لیست – أَصبحْنَ از افعال ناقصه هستند.

گزینهٔ «۴»: أَصبحَ – یکونُ از افعال ناقصه هستند.

۲۱ . گزینه ۳ در این گزینه لَسْنا از لَیسَ گرفته شده که فعل ناقصه می‌باشد.

سایر گزینه‌ها: فعل ناقصه نیستند.

نکته: اگر افعال ناقصه به باب‌های تفعیل یا تفعُّل و یا دیگر باب‌ها بروند، فعل ناقصه نخواهند بود. أَصْبَحَ که از افعال ناقصه است، در بابِ افعال قرار دارد و در حالت مجرّد صَبَحَ – یَصْبَحُ فعل ناقصه نیست.

۲۲ . گزینه ۴ در این گزینه "بسیار بود"، "منتقل شده بود" صحیح هستند.

۲۳ . گزینه ۲ أتقولونَ: آیا می‌گویید (رد گزینه‌های ۳، ۴)

بأفواهکم: با زبان‌هایتان، با دهان‌هایتان (رد گزینه‌های ۱،۴)

قلوبکم: دلهایتان، قلب‌هایتان. کان الله: خدا است.

أعلَم: داناتر (رد گزینه‌های ۱،۴)،

تکتمونَ: پنهان می‌داشتید (با توجه به کانَ)

۲۴ . گزینه ۱ ترجمهٔ گزینه: داروخانه: دکتری است که داروها را می‌شناسد و در آن‌ها متخصص است (غلط است، الصیدليّ: داروساز)

ترجمهٔ سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: پسته: میوهٔ خوشمزه و مقوّی است که در دامغان و کرمان و ... کاشته می‌شود.

گزینهٔ «۳»: آلودگی: هوای ناسالم که اتومبیل‌ها و کارخانه‌ها در آن مؤثّرند.

گزینهٔ «۴»: ابریشم: پارچهٔ لطیف و گران قیمتی که بیشتر ثروتمندان از آن استفاده می‌کنند.

۲۵ . گزینه ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: "طبیعی" (صحیح است).

گزینهٔ «۲»: "فرزندان خود"، "درختان را" (صحیح است)

گزینهٔ «۳»: "درآینده" اضافه است، سرانجام به جای آن می‌آید "شایستهٔ من" (صحیح است)

۲۶ . گزینه ۳ در این گزینه مخضرَّة صحیح است زیرا خبر صارتْ منصوب می‌باشد؛ اسم صارتْ ضمیر مستتر «هِیَ» خواهد بود.

۲۷ . گزینه ۳ در این گزینه "بر هر چیزی" و" آگاه "است" صحیح است.

کانَ: بود، در مورد صفات الهی به معنای "است" می‌باشد.

۲۸ . گزینه ۲ میان دو کلمهٔ الصبر ≠ العجلة تضادّ وجود دارد.

۲۹ . گزینه ۲ المُحدَّد = المُعَیَّن: مشخص، معین‌شده. المُجدَّد: دوباره، تجدیدشده

۳۰ . گزینه ۴ در این گزینه وَجَدْنا: فعل ماضی است، یُساعِدُ: جملهٔ وصفیه که مضارع می‌باشد و بنابراین مفهوم ماضی استمراری دارد.

ترجمهٔ گزینه: در کامپیوتر برنامه‌ای یافتیم که ما را در آموزش زبان عربی یاری می‌کرد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: یُغیِّر مفهوم مضارع اخباری می‌دهد، زیرا قبل از آن فعل مضارع آمده است.

گزینهٔ «۲»: لا تعرفونَه مفهوم مضارع اخباری می‌دهد، زیرا قبل از آن فعل مضارع آمده است.

گزینهٔ «۳»: تَجری مفهوم مضارع اخباری می‌دهد، زیرا قبل از آن فعل مضارع آمده است.

۳۱ . گزینه ۲ لِنَذْکُرْ: باید به یاد آوریم.

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: "با زبانت می‌گویی .... دلت .... " صحیح است.

گزینهٔ «۳»: "................. ندانسته‌اید .... برادرانش .... " صحیح است.

گزینهٔ «۴»: " .... دل‌هایشان .... خواهر ...." صحیح است.

۳۲ . گزینه ۳ بررسی گزینه‌ها:

کانَ .... یُبیِّنون: روشن می‌کردند (توضیح می‌دادند) (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

أبعاد هذا التأثیر: ابعاد این تأثیرا (رد گزینهٔ ۲)

عِندنا: داریم، نزد ما. دراساتهم: پژوهش‌هایشان، مطالعاتشان. (رد گزینهٔ ۲)

۳۳ . گزینه ۳ بررسی گزینه‌ها:

یومَ: روزی که، در روزی. تنظُرْنَ: نگاه می‌کنید، می نگرید (رد گزینهٔ ۱)

ما قدّمتنَّ: آنچه را که پیش فرستادید (رد گزینهٔ ۲)

تَقُول الکافراتُ: کافران می‌گویند (گویند) (رد گزینه‌های ۱،۲)

أیدیکنَّ: (با) دستانتان، (با) دستان خود (رد گزینهٔ ۴)

۳۴ . گزینه ۳ ترجمهٔ گزینه: ابراهیم: این مسابقه میان چه کسی (کسانی) است؟ اسماعیل: هر دو تیم واقعاً قوی هستند که این پاسخ مناسبی برای سؤال نیست. می‌توان چنین پاسخی داد: بین فریقی، السّعادة و الصّداقة.

۳۵ . گزینه ۴ ترجمهٔ گزینه: زیارت‌کننده: قیمت این پیراهن مردانه چند است؟ فروشنده لباس‌ها: سفید، سیاه و آبی داریم. که پاسخ نامناسب است.

ترجمهٔ سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: معلّم: چرا درس را در خانه ننوشتی؟ دانش‌آموز: زیرا در درمانگاه بودم.

گزینهٔ «۲»: دکتر: چه شده است؟ مریض: سرما خورده‌ام و تب شدیدی دارم.

گزینهٔ «۳»: حاجی: چرا این داروها را به من نمی‌دهی؟ داروساز: زیرا فروختن آنها بدون نسخه ممنوع است.

۳۶ . گزینه ۲ صادق باشید: کونوا صادقینَ (رد سایر گزینه‌ها)

فرار نکنید: لا تهربوا (رد گزینه‌های ۱،۳)

هرگز: أبداً (رد گزینه ۴)

لَنْ: مفهوم هرگز را دارد ولی آیندهٔ منفی می‌سازد.

۳۷ . گزینه ۴ در این گزینه تَغَیَّرتْ: فعل ماضی باب تفعُّل، أصواتُ: فاعل صحیح هستند.

۳۸ . گزینه ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

در زبان عربی: فی اللغة العربیة (رد گزینهٔ ۳)

صدها کلمهٔ عربی‌شده: مِئات کلمةٍ معرَّبة (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

ریشه‌های فارسی: الأُصول الفارسیّة. (رد گزینه‌های ۲، ۳)

وجود دارد: هُناک (رد گزینه‌های ۱، ۳)

۳۹ . گزینه ۱ دیگر موارد تحلیل صرفی الطالبتانِ: مؤنث، مشتق اسم فاعل ثلاثی مجرد از نظر نحوی اسم کانَ و مرفوع به (ا) است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: نکره، اسم فاعل از ثلاثی مزید باب استفعال ریشهٔ فعل عَدَد، مونث صحیح است.

گزینهٔ «۳»: للغائبة، معلوم، متعدٍّ و حروف اصلی آن و ، ف ، ق. صحیح است.

گزینهٔ «۴»: مِن باب تفعیل، معلوم، متعدٍّ و مصدره تأجیل صحیح است.

۴۰ . گزینه ۱ در این گزینه تُساعِدُ صحیح است فعل مضارع معلوم ثلاثی مزید باب مُفاعَلة، لتعلُّم صحیح است، مضاف، تنوین نمی‌گیرد.

۴۱ . گزینه ۲ در این گزینه أَنْزَلَ: ماضی باب إفعال است. الأرضُ: اسم تصبحُ، و مرفوع و مُخضرَّةً: خبر فعل ناقصه و منصوب است.

۴۲ . گزینه ۲ در این گزینه انواع جمع نسبت به دیگر گزینه‌ها بیشتر است: العَمَلَة جمع عامل، قُری جمع قریة، مَزارِع جمع مزرعة = جمع مکسّر.

الصابرونَ: جمع مذکر سالم، کبیرات: جمع مؤنث سالم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: طالبات: جمع مؤنّث سالم. المدارس، میادین، البِلاد: جمع مکسّر

گزینهٔ «۲»: الأمّهات، الصادقات: جمع مؤنث سالم؛ فُقراء، المُدن، أیّام: جمع مکسّر

گزینهٔ «۴»: المؤمنونَ: جمع مذکر سالم، بیوتاً، مساکین، بلاد: جمع مکسّر

۴۳ . گزینه ۴ ترجمهٔ گزینه: سردرد، درد شدیدی در سر انسان است که صحیح است.

ترجمهٔ سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: حوله تکه پارچه‌ای است که روی تخت گذارده می‌شود. این توضیح برای الشَّرشَف: ملافه درست است.

گزینهٔ «۲»: مدرک همان ارزش‌های مشترک در میان گروهی از مردم است. این توضیح برای الثقافة: فرهنگ صحیح است.

گزینهٔ «۳»: جشنواره از نشانه‌های پیشرفت در زمینه‌های دانش و صنعت و ادبیات است. این توضیحات برای الحضارة: تمدن صحیح است.

۴۴ . گزینه ۴ در این گزینه تُشاهِدُ و تَتساقَطُ صحیح است. زیرا تُشاهِدُ در مضارع باب مُفاعَلَة و تَتساقَطُ مضارع باب تفاعُل است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: یَکْتُبْ، کسرهٔ عارضی می گیرد زیرا به (أل) رسیده است.

گزینهٔ «۲»: ضَغطُ، اسم مؤخّر کانَ است.

گزینهٔ «۳»: مُسلمو در اصل مُسلمونَ بوده که چون مضاف شده، (ن) حذف می‌شود.

۴۵ . گزینه ۲ بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: ماءٌ: نایب فاعل برای فعل مجهول یُنزَلُ صحیح است.

گزینهٔ «۳»: فلّاحات: اسم لیس و مرفوع صحیح است.

گزینهٔ «۴»: أحسنَ: خبر کانَ و منصوب صحیح است.

اسم کانَ ضمیر بارز (تَ) می‌باشد.

۴۶ . گزینه ۳ در این گزینه یُنَظِّفْنَ: مضارع معلوم ثلاثی مزید باب تفعیل، غُرْفَةَ: مفعولٌ‌به صحیح است.

۴۷ . گزینه ۱ در این گزینه تُعَلّمِ غلط است و صحیح آن تَعَلُّمها می‌باشد؛ تَعَلُّم: مصدر باب تَفَعُّل است که مجرور به حرف جرّ شده است.

۴۸ . گزینه ۳ در این گزینه لَیسَ از أفعال ناقصه است و خبر آن (غافلاً) منصوب است؛ در حالی که در دیگر گزینه‌ها خبر مرفوع می باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: مُعْجَمٌ خبر است.

گزینهٔ «۲»: مُجِدَّةٌ خبر است.

www.akoedu.ir

گزینۀ «۴»: مسؤولٌ خبر است.

۴۹ . گزینه ۴ در این گزینه یَتَکَوَّنُ از افعال ناقصه نمی‌باشد. اگر کانَ به باب‌های تفعیل یا تفعُّل (و یا سایر باب‌های ثلاثی مزید) برود، دیگر از افعال ناقصه نخواهد بود؛ از فعل‌های معمولی خواهد بود که دارای فاعل یا مفعول می‌شود. صارَ نیز اگر به باب تفعیل برود دیگر فعل ناقصه نخواهد بود. لَیْسَ به هیچ بابی نمی‌رود. أَصْبَحَ که در باب افعال است فقط در این حالتش فعل ناقصه می‌باشد.

۵۰ . گزینه ۲ فعل ناقصه‌ای که مفهوم تغییر و تحوّل را نشان می‌دهد، صارَ و أَصبحَ می‌باشد.

ترجمۀ گزینه: کشاورز در کارهای کشاورزی‌اش با نشاط شد. (با نشاط شدن یک تغییر و تحوّل است).

کان: بود، لَیسَ: نیست مفهوم تغییر و تحوّل را ندارند.

www.akoedu.ir

پاسخنامه کلیدی

۱	۱	۹	۱	۱۷	۲	۲۵	۴	۳۳	۳	۴۱	۲	۴۹	۴
۲	۴	۱۰	۲	۱۸	۳	۲۶	۳	۳۴	۳	۴۲	۲	۵۰	۲
۳	۲	۱۱	۱	۱۹	۳	۲۷	۳	۳۵	۴	۴۳	۴		
۴	۳	۱۲	۳	۲۰	۲	۲۸	۲	۳۶	۲	۴۴	۴		
۵	۲	۱۳	۱	۲۱	۳	۲۹	۲	۳۷	۴	۴۵	۲		
۶	۴	۱۴	۳	۲۲	۴	۳۰	۴	۳۸	۴	۴۶	۳		
۷	۲	۱۵	۲	۲۳	۲	۳۱	۲	۳۹	۱	۴۷	۱		
۸	۴	۱۶	۱	۲۴	۱	۳۲	۳	۴۰	۱	۴۸	۳		

www.akoedu.ir